

به نام خدا

با توجه به این‌که نبود انضباط مالی یکی از ضعف‌های نظام برنامه‌ریزی اقتصادی است، بنابراین بحث سرآغاز سخن این شماره به‌موضوع یادشده اختصاص یافته است.

در مبحث اقتصاد ایران، ابتدا به نقش تأمین اجتماعی در کاهش فقر پرداخته شده است. به دنبال افزایش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از برنامه‌های تعدیل اقتصادی و چرخش ایجادشده در سیاست‌های کل نظام (به سمت خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی) از نظام تأمین اجتماعی انتظار می‌رود که نقش فعال‌تری در امر رفاه اجتماعی ایفا کند. این مقاله، ضمن تجزیه و تحلیل‌های آماری، به این نکته اشاره دارد که نظام تأمین اجتماعی در بُعد حمایتی ناتوان از تأمین حداقل درآمد همسطح با خط فقر مطلق بوده و مستمری‌بگیران نیز در تأمین هزینه‌های خانوار با دشواری‌های زیادی مواجه بوده‌اند. مطلب دوم این مبحث به فرایند خصوصی‌سازی و عملکرد آن در ایران پرداخته و جنبه‌های گوناگون آن را در چارچوب روش‌های مهم و متداول مورد بحث قرار داده است.

عنوان نخستین مطلب مربوط به مبحث اقتصاد توسعه، «صادرات و رشد اقتصادی در افریقا» است. هدف این مقاله بررسی کارایی سیاست تشویق صادرات در افریقا با آزمون علی بین صادرات و رشد اقتصادی است. مطلب دوم، تجربه توسعه صنایع کوچک در برخی از کشورها را مورد مطالعه قرار داده و سیاست‌های اجرایی را در سه مرحله حمایت از صنایع کوچک بررسی کرده است. عنوان مطلب پایانی این مبحث، قطعنامه «کنفرانس بین‌المللی تأمین سرمایه برای توسعه» است که از ۱۸ تا ۲۲ مارس ۲۰۰۲ (۲۷ اسفند ۱۳۸۰ تا ۲ فروردین ۱۳۸۱) توسط سازمان ملل متحد در مونتری، مکزیکو برگزار شد. این مطلب شرح مفصلی است از بحث‌های مطرح شده در این کنفرانس.

«تجدید ساختار بازار سرمایه و طراحی مطلوب برای آن» مطلب مربوط به اقتصاد پول و بانک است. این مقاله برخی از شاخص‌های مهم در بازارهای جهانی و ماهیت و کارکردهای مؤسسات خدمات مالی در توسعه بازار سرمایه را مورد بررسی قرار داده است. این مطلب در دو قسمت ارائه می‌شود که قسمت اول آن را در این شماره می‌خوانید.

در مبحث اقتصاد بین‌الملل، مطلب اول به جنگ نفت اختصاص دارد که در آن از مسائل افغانستان، حکومت نفتی بوش، فعالیت‌های سیا، و چشم‌انداز تأمین نفت غرب در دو دهه آینده سخن رفته است. مقاله دوم، اوضاع بحرانی آرژانتین و وضعیت کارگران آرژانتینی در برابر صندوق بین‌المللی پول را مورد بررسی قرار داده است.

در زمینه آشنایی با مکاتب اقتصادی، در این شماره «مکتب کینزی»، برگرفته از فرهنگ نوین پال گریور، در مبحث اطلاع‌رسانی ارائه شده است. مطلب دوم این مبحث، مانند شماره‌های پیشین، به معرفی کتاب اختصاص دارد.

مجله اقتصادی

ماهنامه داخلی حوزه معاونت امور اقتصادی
دوره دوم • سال اول • شماره ۹، تیر ۱۳۸۱



- صاحب امتیاز: معاونت امور اقتصادی
- مدیرمسئول: سعید شیرکوند
- سردبیر: علی دینی ترکمانی

سرآغاز سخن: انضباط مالی در بودجه‌ریزی دولتی

اقتصاد ایران

نقش تأمین اجتماعی در کاهش فقر / اسماعیل رمضان پور
روش‌های مهم و متداول خصوصی‌سازی و عملکرد آنها در فرایند خصوصی‌سازی در ایران طی
دوره ۷۹-۱۳۷۰ / محمدرحیم احمدوند

اقتصاد توسعه

صادرات و رشد اقتصادی در افریقا پاداشتی بر موضوع حکمت / بهزاد یغمائی
مروزی بر تجربه توسعه صنایع کوچک در کشورهای منتخب / فرزاد هاشمی
کنفرانس بین‌المللی تأمین سرمایه برای توسعه / سازمان ملل متحد

اقتصاد پول و بانک

تجدید ساختار بازار سرمایه و طراحی نظام مطلوب برای آن / کورش معدلت

اقتصاد بین‌الملل

جنگ نفت / فرادانشیت و کبراد شو / ترجمه محمد جواد طائفی
کارگران آرژانتینی در برابر صندوق بین‌المللی پول / آلیسیا خراباکو / ترجمه بابک پاکزاد

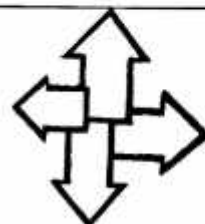
اطلاع‌رسانی

آشنایی با مکاتب اقتصادی: مکتب کینزی / جان آیتول / ترجمه سیدحسین میرجلیلی
چکیده کتاب: دولت و تغییر جهانی: اقتصاد سیاسی‌گذار در خاورمیانه و شمال افریقا / حسن
حکیمیان و زیبا مشاور / ترجمه عباس حائمی‌زاده

- مدیر داخلی: انور سپهری
- ویراستار: شهبود مقدم
- حروفچین: طوبی پورفرمان
- طراح: نوشین آذرشسین

مجله در ویرایش مطالب آزاد است. مقاله‌های منتشر شده لزوماً به معنای دیدگاه معاونت امور اقتصادی نیست. مجله اقتصادی با استقبال از طرح نقطه‌نظرهای شما، آماده دریافت مطالب ارسالی است. لطفاً مقاله‌های خود را به نشانی زیر ارسال فرمائید.
خیابان پاسداران - خ شهید جنت سوری (نیستان هفتم) شماره ۶۲/۳ - معاونت امور اقتصادی
کد پستی ۴۱۴۴ - ۱۹۴۴۸ تلفن ۲۵۶۳۳۴۰ و ۲۵۵۳۴۰۱-۶

اطلاع رسانی



آشنایی با مکاتب اقتصادی: مکتب کینزی*

جان اتیول

ترجمه سیدحسین میرجلیلی

ادکترای اقتصاد و استادیار پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نظریه عمومی کینز نه تنها در تحلیل اقتصاد کلان، حسابداری درآمد ملی و اقتصاد کاربردی بلکه بر عقاید اقتصادی نیز تأثیر خود را به جای گذاشت. به گونه‌ای که مکتب کینزی به صورت یک رهیافت متمایز در امور اقتصادی درآمد. این عنوان در نتیجه گیری‌های انجام شده از نظریه عمومی و در مواردی که در نظریه عمومی وجود ندارد ولی اغلب به نادرست از مباحث آن استخراج می‌شود، به کار برده شده است.

ویژگی‌های متمایز مکتب کینزی عبارت‌اند از: تحلیل گرایش به کم اهمیت جلوه دادن نقش اثرات قیمت در تعیین اشتغال و محصول کل؛ اعطای اولویت به اثرات درآمدی؛ تأکید بر نقش مداخله گرایانه دولت در شکل‌گیری سیاست اقتصادی، به ویژه در تعیین سطوح رضایت بخش تقاضای کل و به طور کلی‌تر در مسئولیت‌پذیری برای مدیریت رشد اقتصادی.

تأکید بر تأثیرات درآمدی به طور مستقیم از تحلیل نظریه عمومی پیروی می‌کند. اصل تقاضای مؤثر که کینز خودش آن را به عنوان ابداع اساسی رهیافت خود به حساب می‌آورد، عاری از سازوکار قیمتی است و منحصرأ یک رابطه میان سرمایه‌گذاری (مخارج مستقل) و محصول است. قدرت تحلیل ضریب فراینده به آسانی از الگوی ساده‌ای که در آن تغییر در محصول، برابری پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مطلوب را حفظ می‌کند، به تحلیل‌های عمومی‌تر "توزیقات" و "برداشت‌ها" که شامل وضع مالی^۱ و موازنه تجاری است، گسترش یافت تا به این ترتیب خانواده‌ای از الگوهای مخارج و درآمد کینزی به وجود آید. به طور مشابه نتیجه‌گیری کانونی نظریه عمومی این است که

هیچ‌گونه گرایش خودکامی در اقتصاد بازار وجود ندارد که تضمین کند سطح محصول مرتبط با آن که اشتغال کامل را پایدار خواهد کرد، به طور طبیعی منجر به این ایده شود که باید مسئولیت دولت، مدیریت سطح کلی مخارج به منظور پی‌گیری آن هدف باشد. کینز مطرح کرد که اجتماعی شدن به نسبت جامع سرمایه‌گذاری، ثابت خواهد کرد که تنها وسیله تضمین نزدیک شدن به اشتغال کامل است؛ هر چند این امر نیازی به مستثنی کردن تمامی روش‌های توافق و تدابیری که توسط آنها مسئولان بخش عمومی با اینکزارت بخش خصوصی همکاری خواهد کرد، ندارد. (کینز، ۱۹۳۶، ص ۳۷۸).

هم قضیه نظری و هم موضع سیاست اقتصادی می‌تواند از رة این ایده به دست آید که سازوکار بازار تضمین‌کننده تخصیص کارای منابع است. یعنی رة نظریه اساسی اقتصاد رفاه و از آن جا که این رد کردن از حضور نواقص در سازوکار بازار ریشه نمی‌گیرد، بلکه از این اعلام مؤکد نشأت می‌گیرد که حتی در بهترین شرایط ممکن، اقتصاد بازار به آن طریق عمل نمی‌کند.

در واقع پذیرش بحث کینز متضمن مرده شمردن نظریه نئوکلاسیکی ارزش و توزیع است. به هر حال "تأثیرات درآمدی" و نظریه‌های "مداخله گرایانه"، نظریه عمومی، تغییر پیدا می‌کند. اگر مضحمل^۲ نشود. با این تأکید کینز که اگر گسترش‌های ما در ایجاد محصول کل مرتبط با اشتغال کامل به همان تدریجی که امکان‌پذیر است، موفق شود، نظریه کلاسیک از این نقطه به بعد دوباره وارد تحلیل می‌شود. (کینز، ۱۹۳۶، ص ۳۷۸).

در ظاهر کینز سازوکار قیمت را به عنوان ابزار کارای تخصیص، احیاء می‌کند، در حالی که در همان زمان کارایی سازوکار قیمت به عنوان یک ابزار تضمین به کارگیری کامل خدمات عوامل موجود را انکار می‌کند. حتی اگر این دو مورد، دو جنبه یک پدیده باشند.

این موضع فریبنده (با ضد و نقیض) با توسعه روایت سنتز نئوکلاسیک از تحلیل کینز تقویت شد. (هیکس، ۱۹۲۷؛ مودیلیانی، ۱۹۴۴). در سنتز نئوکلاسیک گفته شد که نتایج کینز، با مقروض دانستن عرضه پول، متکی به فرض دستمزدهای پولی انعطاف‌ناپذیر^۳ (با چسبان)^۴ است. به گونه‌ای که دستمزدهای پولی نسبت به حجم پول، بسیار بالا است و توضیح می‌دهد که چرا سودآور نیست که اشتغال را به سطح "اشتغال کامل" گسترش دهیم. (مودیلیانی، ۱۹۴۴، ص ۲۵۵). محدود کردن تحلیل کینزی به انعطاف‌ناپذیری‌های کوتاه مدت که بازدارنده عملیات بازار کار است، فکر اولیه کارایی دراز مدت سازوکار بازار را احاده می‌کند که با بحث "نظریه عمومی" نهادینه شده بود و عنوان "کینزی" را بر سیاست‌های مدیریت اقتصاد کلان وضع می‌کند که از مداخله اقتصاد فردی پرهیز می‌کند، و مطمئناً متضمن هیچ گونه "اجتماعی سازی جامع سرمایه‌گذاری" نیست. مدیریت اقتصادی،

جستجوی مخلوط مناسبی از سیاست‌های پولی و مالی شد که در آن وزن نسبی بر سیاست‌های پولی یا مالی مبتنی بر فروض مربوط به قرار گشش‌های نسبی منحنی‌های توبه IS و LM داده شده بود، که آن نیز به توبه خود تا حدی مبتنی بر درجه‌ای از ایمان به کارایی سفروض سازوکار بازار است.

تأکید بر تأثیرات درآمدی به‌طور مستقیم از تحلیل "نظریه عمومی" پیروی می‌کند اصل تقاضای مؤثر که کینز خودش آن را به‌عنوان ابداع اساسی رهیافت خود به‌حساب می‌آورد عاری از سازوکار قیمتی است و منحصراً یک رابطه میان سرمایه‌گذاری (مخارج مستقل) و محصول است.

بنابراین به‌جای کنار گذاشتن تحلیل نئوکلاسیک و چشم‌اندازهای سیاست اقتصادی که از آن نظام فکری به‌دست آمده است - یعنی چشم‌اندازهایی که در دهه ۱۹۳۰ بی‌اعتبار شده است - مکتب کینزی اقتصاد بازار آزاد را چون گذشته، در سطح صنعتی و اقتصاد فردی حفظ کرد تا زمانی که آن ایده‌ها با احیای مکتب پولی و سیاست‌های بازار آزاد همراه آن، دوباره مطرح شود.

احیای مکتب پولی با شکست تجری شیوه‌ای^۱ که با روایت سنتز نئوکلاسیک از کینز پیوند خورده بود، تسهیل شد، حتی اگر این شیوه هیچ نقشی در "نظریه عمومی" نداشته باشد. این شیوه، منحنی فیلپس بود. منحنی فیلپس به شکل پویا راه حلی برای معمای سنتز نئوکلاسیک ارائه کرد مبنی بر این‌که چگونه دستمزد پولی چسبان باید تعیین شود (با به‌طور دقیق‌تر، چگونه تغییرات در دستمزد پولی چسبان باید تعیین شود). منحنی فیلپس ربع چهارم دیاگرام‌های آشنای متون درسی را پر کرد، معادله لازم به تعداد مجهول‌ها افزود و به این ترتیب الگو را کامل کرد.

نبود هر نوع رابطه معکوس میان نرخ تورم دستمزد پولی و سطح بیکاری در اوایل دهه ۱۹۷۰ به‌عنوان شاهد روشن "شکست" اقتصاد کینز به‌طور فوق‌العاده‌ای به تصویر کشیده شد، حتی اگر مورد قابل شرحی در "نظریه عمومی" وجود نداشته باشد که چنین رابطه‌ای را تأیید کند. و حتی تحلیل "نظریه عمومی" به‌طور کامل مستقل از چنین رابطه‌ای نشد. (زیوس نظرات مربوط به تورم که در کتاب "چگونه هزینه‌های حجگ را پردازیم"، مطرح شده است، مطمئناً کینز آن را به‌عمر - یک بحث تشکیل دهنده نظریه اشتغال به‌حساب نیاورده

است).

کم رنگ‌شدن^۲ پیامدهای نظری "نظریه عمومی" در "مکتب کینزی" منجر به چشم پوشی از موضوعات اقتصاد فردی توسط کسانی شد که نیاز به سیاست‌های مداخله‌گرایانه جهت تضمین کارایی اقتصادی را درک می‌کردند. به‌عنوان مثال سیاست‌های مدیریت تقاضا که در بریتانیا بعد از ۱۹۵۱ دنبال شد، اثبات شد که برای بازسازی صنعتی، یا حفظ یک صنعت کارخانه‌ای رقابتی ناکافی است. این سیاست نقطه مقابل سیاست‌های صنعتی دنبال شده در فرانسه، آلمان و ژاپن است که مداخله فعال اقتصاد فردی به‌عنوان شیوه غالب مدیریت اقتصادی دنبال شد. جایی که "مکتب کینزی" نقش کمتری در تنظیم سیاست اقتصادی ایفا می‌کرد.

شکست فکری "مکتب کینزی" یا به‌طور دقیق‌تر شکست فکری روایت سنتز نئوکلاسیک از تحلیل کینز، با این بحث کاملاً مستدل که پایه‌های نظری آن سنتز، به‌طور دقیق همان مبانی والرایی که طبق آن ایده‌های پولی‌گرایان بر آن استوار شده است، به‌طور بی‌رحمانه‌ای نشان داده می‌شود. این موضوع به وسیله مودیلیانی در خطابه وی به‌عنوان رئیس "مؤسسه اقتصادی امریکا"^۳ مطرح شد. این قضیه که "در دوازدهم پول خنثی است ... هم اکنون مخالفت جدی غیرپولی‌گرایان را به‌دنبال ندارد". (مودیلیانی، ۱۹۷۷، ص ۱۱۹). بنابراین تفاوت میان مکتب پولی و مکتب کینزی در بحث مربوط به گشش‌های کوتاه‌مدت و دراز مدت، اصالت خود را از دست داده است و هیچ مورد بنیادین در آن وجود ندارد. (ن. کد: مقالات در گوردون، ۱۹۷۲).

بنابراین در نظریه و سیاست اقتصادی، "مکتب کینزی" به‌طور متناقض نمای گرایش به تقویت نظری دارد که کینز در مقدمه کتاب "نظریه عمومی" پیش‌بینی کرده بود:

"انتظار دارم، کسانی که" به آنچه من آن را "نظریه کلاسیک"، باید بنامم، میان این عقیده که من در اشتباهم و این عقیده که من چیز جدیدی نمی‌گویم، در نوسان باشند. بی‌نظمی کنونی نظریه اقتصاد کلان و سیاست اقتصاد کلان نیاز به ارزیابی این پرسش را مطرح می‌کند که آیا همچنان که کینز می‌گوید: "آتر ناتو سوم، درست است یا نه؟"

پی‌نوشت:

این مطلب ترجمه‌ای است از منبع زیر:

John Eatwell. *Kensetianism. The New Palgrave a Dictionary of Economics*, Vol. 3, pp 46-47.

1. Injections and Leakages
2. Fiscal stance
3. Submerged
4. Sticky
5. rigid
6. device
7. dilution
8. American Economic Association.